

مشکل رویت هلال

<?xml encoding="UTF-8">

اهمیت رویت هلال

می دانیم که در شریعت مقدّس اسلام بسیاری از وظایف و عبادات فردی و اجتماعی مسلمانان بر اساس ماههای قمری، و تشخیص آغاز و انجام ماههای قمری هم مبتنی بر رویت هلال است. مراسم بسیار مهم و اساسی حج، تعیین روز عرفه و عید قربان، روزه ماه مبارک رمضان، شبهای قدر، ایام تاریخی مهم مانند: مبعث، غدیر، عاشورا و مهمتر از همه عید فطر همگی وابسته به رویت هلال اند و حتی برخی وظایف مانند روزه عید فطر مردّد بین محذورین است که اگر روزی آخر ماه رمضان باشد روزه اش واجب و اگر عید فطر باشد روزه اش حرام است. به دلیل همین نقش اساسی و تأثیر گسترده، رویت هلال وسیله ای بس آسان و در دسترس برای تحقق اختلاف یا اتحاد مسلمانان است. حتی اگر بتوان با وجود اختلاف، در اموری مثل روزه یوم الشکّ اول ماه مبارک یا احیای دو شب به نیت لیلة القدر، مشکل را حل کرد، در تعیین روز عرفه و عید قربان و عید فطر چنین راهی وجود ندارد. مگر می توان مسلمانان را مکلف کرد که در یوم الشکّ آخر ماه مبارک، طریق احتیاط پیش گیرند و مثلاً با مسافرت روزه خود را افطار کنند؟

گذشته از جنبه های شرعی فردی، بازتاب اجتماعی دوگانگی و تفرقه در این امور را که بسیاری از اوقات به پاره ای اعتقادات مسلمانان نیز ضربه می زند، نباید از نظر دور داشت.

تشخیص درست و مطابق ضوابط شرعی اول ماههای قمری آنقدر مهم است که در روایاتی می خوانیم که پس از فاجعه اندوهبار و جانکاه عاشورا، نفرین فرشته ای در حقّ قاتلان حضرت ابا عبد الله الحسین (ع) موقّق نشدن آنان به اعمال و وظایف عید قربان و فطر و ماه مبارک است:

قال أبو عبد الله (ع): لَمَّا ضُرِبَ الحسین بن علی (ع) بالسيف فسقط... ثُمَّ ابْتَدِرَ لِيَقْطَعَ رَأْسَهُ نَادَى مَنْادٍ مِنْ بَطْنِ العرش: «أَلَا أَيْتَهَا الْأُمَّةُ الْمُتَحَيِّرَةُ الضَّالَّةُ بَعْدَ نَبِيِّهَا! لَا وَفَّقَكُمُ اللَّهُ لِأَضْحَى وَلَا لِفَطْرِ»... فَلَا جَرَمَ وَاللَّهِ مَا وَفَّقُوا وَلَا يُوفَّقُونَ حَتَّى يَثَّارَ ثَائِرُ الحسین (ع)؛ «1»

امام صادق (ع) فرمودند: وقتی که امام حسین (ع) با ضربه شمشیر از پا افتاد... و سرش را بریدند یک منادی از میان عرش این ندا داد «ای اُمّتی که بعد از پیامبرش سرگردان و گمراه شدید خداوند شما را به انجام اعمال هیچ عید قربان و عید فطری موفق نگرداند». و به خدا قسم دیگر نه موفق بر آن شدند و نه موفق خواهند شد تا آن که خون خواه امام حسین (ع) قیام کند.

عن محمد بن إسماعيل الرازي عن أبي جعفر الثاني (ع)، قال: قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فداك ما تقول في الصوم فإنّه قد رُوِيَ أنّهم لا يُوفَّقُونَ لصومٍ؟ فقال: «أما إنّّه قد أُجيبَتْ دعوهُ الملك فيهم» قال: فقلت: وكيف ذلك جُعِلْتُ فداك؟

قال: «إِنَّ النَّاسَ لَمَّا قَتَلُوا الْحُسَيْنَ (صلوات الله عليه) أمر الله (تبارك وتعالى) ملكاً ينادي: أَيَّتْهَا الْأُمَّةُ الظَّالِمَةُ الْفَاتِلَةُ عَتْرَةَ نَبِيِّهَا! لا وَفَّقَكُمُ اللَّهُ لَصُومٍ وَلَا لِفَطْرِ»؛(2)

محمد بن اسماعیل رازی از امام جواد (ع) نقل می کند که به آن حضرت گفتم:

فدایت شوم، در باره روزه چه می فرمایید؟ زیرا روایتی نقل شده است که مردم موفق به انجام روزه نخواهند شد. آن حضرت فرمودند: همانا دعای آن فرشته در حقشان مستجاب شد. گفتم، فدایت شوم! چگونه؟ آن حضرت فرمودند: وقتی مردم امام حسین (ع) را کشتند، خداوند به فرشته ای دستور داد که بانگ دهد: ای امت ظالمی که عترت پیامبرتان را کشتید! خداوند شما را به انجام روزه و اعمال فطر موفق نگرداند.

همچنین سیّد ابن طاوس پس از ذکر حدیث اوّل، روایت زیر را به نقل از دلائل الإمامة در اقبال نقل کرده است: وَلَكِنْ أُخْبِرَكُمْ بَعْلَامَاتِ السَّاعَةِ: يَشِيخُ الزَّمَانُ، وَيَكْثُرُ الذَّهَبُ، وَتَشَجُّ الْأَنْفُسُ، وَتَعْقَمُ الْأَرْحَامُ، وَتَقْطَعُ الْأَهْلَةُ عَنْ كَثِيرٍ مِنَ النَّاسِ؛

ولی شما را به علائم آخر الزمان آگاه می سازم: زمانه طولانی می شود، طلا زیاد می شود، آدمیان بخیل می شوند، رحم ها (زنان) عقیم می شوند و رابطه اکثر مردم با اول ماه ها قطع می شود.

وی ذیل آن افزوده است:

به نظرم: این اقتضا می کند که هلال ماه به خاطر عقوبت خداوند پنهان می ماند، پس علم به هلال ماه فقط با هدایتی از جانب خداوند صورت می گیرد، چنین کسی به چیزی مشرف شده است که سپاسگزاران از شکر آن عاجزند و شکر مخصوص خدایی است که ما را به آن آگاه ساخت. «3»

پیامدهای ناگوار اختلاف در رؤیت هلال

اختلاف در ثبوت هلال ماههای مبارک رمضان، شوال و ذی حجه در کشورهای اسلامی تاکنون پیامدهای بسیار ناگواری داشته است. در اینجا به پاره ای هشدارها و نگرانیها در این باره اشاره می کنم:

یکی از فقهای معاصر در این زمینه می نویسد:

... اختلاف اسفناکی بارها در طی سالهای اخیر در امر رؤیت هلال شهد شیرین عید را در کام همه تلخ کرد. گروهی امروز نماز عید می خواندند و می گفتند: «أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيداً...» و فردا گروه دیگری در همان شهر و گاه در همان مسجد همین عبارت را می گفتند و معلوم نبود منظور از «المسلمین» در این عبارات کیست؟ عده ای به هم تبریک می گفتند و جماعتی در حال روزه بودند و دعای «یا عَلِيُّ یا عَظِيم...» و هذا شهر عَظْمَتِهِ وَكَرَمَتِهِ... وهو شهر رمضان... می خواندند و گاه حتّی در یک خانه این اختلاف جانکاه دیده می شد.... مردم از این بیم دارند که در سالهای بعد نیز این امر تکرار شود و در نتیجه بعضی از ناآگاهان، تعلیمات اسلام را زیر سؤال ببرند. این امر هنگامی نگران کننده تر می شود که می بینیم در اغلب کشورهای اسلامی مسأله رؤیت هلال حل شده و لا اقل اهل یک کشور با یکدیگر هماهنگ هستند، ولی در کشور ما چگونه است؟ شاید تنها ما هستیم که این مسأله را حل نکرده ایم با اینکه فقهای قوی و آگاهی داریم. «4»

همچنین یکی از روحانیان شیعه مقیم آلمان درباره وضع ثبوت اوّل ماه در اروپا طی استفتایی نوشته است:

همه ساله در خصوص رؤیت هلال اوّل ماه مبارک و نیز اوّل ماه شوّال با مشکلی اساسی مواجهیم... اختلاف همیشگی بین اهل سنت و شیعیان، و شیعیان مقلّد آیه الله خوئی و مقلّدان دیگر آقایان، مناسب وضع مسلمانان به خصوص در مناطق غیر اسلامی نیست و گاهی به دست افراد مغرض یا ناآگاه بهانه ای برای تحلیلهای تفرقه انگیز داده است.

یکی از نزدیکان امام موسی صدر درباره ایّام اقامت ایشان در لبنان می گوید:

پیوسته هنگام فرارسیدن عید فطر، ایشان با مشکلات فراوانی روبرو می شدند؛ زیرا سنّیها بنا به فتوهای علما یا دولتهای خود همیشه زودتر از شیعیان اعلام عید می کردند و در نتیجه یک روز را برخی از مسلمانان عید و برخی دیگر روزه می گرفتند. «5»

روز دوشنبه سی ام ماه رمضان 1419 طبق یک نظر و روز عید فطر طبق نظری دیگر یکی از عالمان شیعه لبنان در یکی از مساجد بیروت در سخنرانی خود گفت:

اندوهبارترین روزها بر من همین امروز است، این اندوه برای رنج خودم نیست بلکه اندوه برای امت است، ما دوست داشتیم که این عید، عیدی باشد که همه مردم را جمع کند و سرچشمه تفاهم و همفکری باشد؛ ولی این مشکل تاریخی مسلمانان است که روش ثابت و اساسی که بتوانند بر آن توافق داشته باشند، ایجاد نکردند. ما به خوبی می دانیم که مردم همیشه در خانه هایشان با مشکلاتی روبه رو هستند که به سبب تعدد مراجع دینی پدید آمده است، یک نفر از کسی تقلید می کند که می گوید فلان چیز نجس است و آن دیگری از فردی تقلید می کند که معتقد به طهارت همان چیز است و هر دو در یک خانه زندگی می کنند. نسبت به قضیه هلال ماه نیز مسئله همین طور است؛ زیرا در این جا نظریات فقهی گوناگونی وجود دارد.

به همین مناسبت اداره تبلیغ دینی وابسته به مجلس اعلای شیعه در لبنان طی بیانیه ای اعلام کرد: سازمان تبلیغ دینی اندوه و تأسف خود را از تشویشی که باعث اشتباه برخی از برادران در باره عید فطر در روز دوشنبه شد اعلام می دارد.

یکی از شاعران در قصیده ای طولانی با اشاره به این وضع سروده است:

أَوْ لَيْسَ هَذَا لِلصُّفُوفِ مُفَرَّقًا

و مَشْتَتًا لِعُرَى الْأُخُوَّةِ يَصْدَعُ

آیا این باعث تفرقه صفوف نمی شود

و باعث تکه تکه کردن آویزه های برادری نمی گرد

دینز نویسنده فوائد المرجان در قصیده ای با عنوان «میلاد الهدی و م آسینا»، که در دیوانش عرائس الجنان (ج3، ص115) درج شده، گوید:

أَهْلٌ وَحَدَّثَ ذِي الذِّكْرِ يَاتُ صُفُوفَنَا

فَمَا بَالُنَا سُبُلَ الْخِلَافِ نَمْهَدُ

فِي كُلِّ أَيَّامِ الْهِنَاءِ وَغَيْرِهَا

لَنَا طَرُقٌ شَتَّى بِهَا لَا نُوحَدُ

فَذَا الْيَوْمَ عِيدُ فِي الْمَنَامَةِ قَائِمٌ

وَأَهْلُ الْقُرَى وَالرِّيفِ عِيدُهُمْ غَدُ

مَهَاوِلُ مِنْهَا يَضْحَكُ الْخَصْمُ سَاخِرًا

وذو الدین منها بالتخلف یکمذ
 وإن جئت أهل الفقه قالوا برؤية ال
 هلال لنا لم یأت ذو العدل یشهد
 لقد هُزِمت أهل الهدی لاختلافهم
 كما انتصرت أهل الخطا إذ توحدوا
 آیا مناسبت ها صوف ما را یکی می کند
 ما را چه شده است که راههای اختلاف را می گسترانیم و هموار می سازیم
 در هریک از روزهای شادی و غیر آن
 ما راههای متعددی داریم و متحد نمی شویم
 امروز در منامه عید بر پاست
 ولی عید اهل قری و ریف فرداست
 چیزهای بیهوده ای که دشمن با تمسخر به آن می خندد
 و دینداران بر اثر آن دل آزرده می گردند.
 اگر نزد اهل فقه بیایی خواهند گفت
 عادل به رویت هلال برایمان شهادت نداد
 هدایت یافتگان به سبب اختلافشان شکست خوردند
 و گمراهان به خاطر اتحادشان پیروز شدند

عالمان دیگر کشورهای اسلامی علاوه بر ایران و لبنان نیز در این باره هشدار داده و آثار ناگوار آن را ناخوشایند دانسته و برای حلّ این معضل تلاشهایی کرده اند، از جمله دکتر ماجد أبورخیه مقیم اردن گوید:
 شاید بیشترین چیزی که باعث توجه مسلمانان به رؤیت هلال می شود قضیه اثبات اوّل ماه رمضان و آخر آن باشد، چرا که اختلافات عجیب و غریبی در جهان اسلام پدید آمده است، چیزی که باعث می شود یک دولت، یک یا دو روز پیش از دولت دیگر که ممکن است همسایه اش باشد روزه بگیرد. چنین وضعیتی در مورد عید فطر نیز وجود دارد. اگر بگویم که در بعضی از سالها این اختلاف به سه روز رسیده مبالغه نکرده ام. این اختلاف، نشان از سلامت ندارد، بلکه بیماری آشکاری است که همراه با دیگر بیماری ها استخوانهای این امت را بعد از آن که از راه راست منحرف شدند و کتاب خداوند را رها کردند پوک ساخته است، اختلاف دولت های اسلامی در شروع روزه باعث انگشت نمایی و تعجب در داخل و خارج گردید و صداهای بسیاری برای پایان بخشیدن به این هرج و مرج عمومی بلند شد و بسیاری از مؤسسات رسمی و غیر رسمی در باره اثرات آن و یافتن راهی برای اتحاد امت در مورد شروع و پایان روزه به بحث و گفتگو پرداختند. «6»

همچنین شیخ عبدالله بن یزید آل محمود مفتی قطر می گوید:

از چیزهایی که موجب تأسف است، اختلاف میان مسلمانان در رؤیت هلال رمضان و هلال شوال و هلال ذی الحجه و مانند آن است. این اختلاف اندوهبار در شروع و پایان ماه رمضان به اندازه ای رسیده است که برخی از سرزمین های عالم اسلامی پس از دو روز از کشور دیگر روزه می گیرند یا افطار می کنند. ای علمای بزرگوار، ای قاضیان شریعت اسلام ما هر ساله در روزه و افطارمان دچار یک اشتباه تکراری می شویم، به گونه ای که همچون یک کار عادی شده است و کسی برای رفع آن حرکت نمی کند، در حالی که چاره این اشتباه ممکن است و انتخاب

یک راه یقینی در این موارد، کاری شدنی است.... ای دانشمندان اسلام، ما و خود و همه مردم را از این اشتباه دائمی و تکراری هر ساله نجات دهید. «7»
روزنامه اللؤ به تاریخ 8/12/2000 م نوشت:

مردم دچار سردرگمی شده اند؛ نمی دانند آغاز و انجام روزه شان چه وقت است؟ سؤالی که طرح می شود این است که آیا این جدل و اختلاف پایانی ندارد؟ آیا وقت آن نرسیده است که مسلمانان و به ویژه دانشمندان شان به یک روش روشن در چنین مسئله ای برسند که از امور محسوس به شمار می آید و چندان جای اختلاف نیست؟ و آیا ممکن است شریعت سمعه ای که عبادت روزه را به هلال ماه پیوند داده است، وسایل و راه اثبات هلال را بیان نکند تا چنین اختلاف زیانباری بروز کند و به نمادهای وحدتی که چنین عبادتی خواستار آن است آسیب برساند؟

همچنین الشرق الأوسط در تاریخ 28/5/1999 م از قول شخصی از اهل مغرب نوشت:
بی شک شما نیز مانند ما در هر سال یک یا دو بار هر گاه که ماه رمضان و ماه شوال که عید فطر همراه آن است می آید، اندوهگین و متأسف می شوید. در بعضی از سالها بین ما که در یک کشور مغرب عربی هستیم، اختلاف وسیعی در مورد شروع و پایان روزه به وجود می آید. این اختلاف بر اثر اختلاف کشورهای اسلامی و عربی در این زمینه پدید می آید. بعضی از ما در فلان روز همراه با کشور عربی سعودی روزه می گیرند... و بعضی دیگر روز بعد همراه با همسایه های ما در الجزایر و تونس در مغرب روزه می گیرند و اکثر مردم در روز بعد در پی اعلان نهاد دینی مسئول در کشورمان روزه می گیرند. همین اختلاف دوباره در پایان ماه رمضان و اول شوال و ثبوت عید فطر رخ می دهد، برخی از ما در فلان روز عید می گیرند و گروهی دیگر بعد از دو روز؛ آیا می توان اختلاف میان مسلمانان را تا این اندازه پذیرفت؟

این آشفتگیها باعث شده است که برخی روزنامه ها به روحانیان و حوزه ها حمله و آنها را با دنیای امروز و پیشرفتهای علمی بیگانه قلمداد کنند. از باب نمونه، نشریه ای نوشته است:

در دنیایی که پیچیده ترین فرایندهای محاسباتی، معاملاتی و ارتباطی بر اساس واحدهایی بسیار کوچکتر از ثانیه برنامه ریزی و اجرا می شود، با این همه تلسکوپ و ماهواره و مؤسسات مجهز ژئوفیزیک آیا نمی توان نسبت ماه به زمین و گردش قمری ایام را به صورت کارشناسی و تخصصی محاسبه کرد؟... بلاتکلیفی های روز عید فطر، تنها یکی از نشانه های بیگانگی ما با دگرگونیهای دنیا و تکرار شیوه های کهنه و ناکارآمد قدیمی در اداره زندگی و حلّ مسائل است.

دکتر زکی بدوی رئیس دانشگاه اسلامی در لندن می گوید:

... اکنون فلک شناسی و ارتباطات به پیشرفتهای بسیاری دست یافته است و جایز نیست چنین اختلافهایی بین کشورهای اسلامی به وجود آید.... روحانیون و فرهنگ مذهبی در کشورهای اسلامی از پیشرفتهای علمی و تکنولوژی دورند.... علوم مذهبی در تمامی کشورهای اسلامی از پیشرفتهای علمی دور است و روحانیون مسلمان... از اطلاع بر پیشرفتهای علمی در دیگر سرزمینها خودداری می کنند. آخرین پیشرفتهای فلکی نشان می دهد که ماه به طور دقیق در چه زمانی رؤیت خواهد شد. بنابراین نباید به روحانیون اجازه داده شود در این باره تصمیم گیری کنند....

اختلاف در رؤیت ماه برای مسلمانان در امریکا و اروپا مشکلات بسیاری به وجود آورده است. حتّی آنها نمی دانند که ماه رمضان و دیگر ماههای قمری آغاز شده است و کدام یک از فتوای روحانیون مسلمان در این باره درست

تر است و این مسأله مسلمانان را در کشورهای غربی در موقعیت دشواری قرار داده است. «8» مشکل وقتی افزون تر می شود که بدانیم اهل فن و متخصصان هیئت و نجوم بر این باورند که در بسیاری از سالهای اخیر در ایران مدعیان و شاهدان رؤیت هلال در شامگاه روز بیست و نهم ماه مبارک رمضان اشتباه کرده و دچار توهم و تخیل رؤیت شده اند وگرنه رؤیت هلال در چنان روزهایی هرگز ممکن نبوده است از جمله در سالهای 1412، 1413، 1414، 1415، 1418، 1419 و 1422 و نیز هلال ماه رمضان 1419. «9» بیفزایم که از سال 1405 تا 1423، یعنی 19 سال، فقط ماه مبارک رمضان سال 1405 سی روزه اعلام شد و اگر آن هم 29 روزه اعلام شده بود 19 سال متوالی، ماه مبارک 29 روزه شده بود. از سال 1410 تا 1423، 13 سال متوالی ماه رمضان 29 روزه داشته ایم در حالی که در 74 سال اخیر در ایران این موضوع بی سابقه است و در این سالها، بیشترین توالی ماه های رمضان 29 روزه اعلامی، 5 ماه است.

ضرورت پژوهش در رؤیت هلال

این امور ضرورت پژوهش در امر رؤیت هلال را از جهت فقهی و نجومی دو چندان می کند. موضوعی که برخی از آگاهان و دلسوزان بارها بر آن تأکید کرده اند. از جمله حضرت حجة الاسلام و المسلمین هاشمی رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، در نخستین گردهمایی تخصصی رؤیت هلال در هشتم آبان 81 اظهار داشت:

... یکی از اشکالات بسیار جدی به حوزه های علمیه و دانشمندان حوزه های نجوم و هیئت همین جا وارد است، که چرا به طور جدی به این مسأله پراهمیت نمی پردازند....

متأسفانه درباره تقویم هجری قمری، یعنی گاهشماری ای که زندگی دینی، فکری، اجتماعی، سنن و آداب ما بسیار بدان وابسته است، هنوز کارهای اساسی نشده است و از پژوهشهای بسیار بسیار مهم که همگان باید روی آن کار کنیم این است که درباره تقویم قمری عمیقاً تحقیق کنیم و جمعاً یک تصمیم درست بگیریم....

در دنیای اسلام، بحث تقویم قمری یک بحث بین المللی است. پنجاه و شش کشور مسلمان به اضافه مسلمانان همه کشورهای دیگر و در مجموع، صدها میلیون مسلمان اکنون در غرب و شرق عالم زندگی می کنند و آنها نیز مسائل و تکالیف و سنن و آداب و فرهنگشان را وابسته به این مسأله می بینند. وقتی که یک مسلمان دلسوز با تفرقه و ناهماهنگی مواجه می شود رنج می برد. به راستی این چه وضعی است و چرا یک تصمیم جامع گرفته نمی شود؟....

وقتی که همسایه های ما که با یکدیگر قریب الأفق هستیم ماه را می بینند یا تصمیم می گیرند که آن را ببینند! و برنامه هایشان را نیز اجرا می کنند، سپس در اینجا با چند کیلومتر فاصله تصوّر دیگری بخواهد وجود داشته باشد، این موضع اصلاً قابل توجیه نیست. آنها که می خواهند همه چیز علمی، تحقیقی، منطقی و مستدل باشد، اینها را نمی پذیرند. پس چنین اختلافی می تواند در عقاید ما شبهه انگیز باشد. یعنی وجود و بروز همین مسأله کافی است تا عده ای بگویند: این چه دین جامعی است که نتوانسته این مسأله را حل کند؟.... این وظیفه بسیار بسیار مهم شرعی و در درجه اول وظیفه حوزه هاست. اگر حوزه ها تصمیم درستی نگیرند دانشگاه هم نمی تواند

به تنهایی این مشکل را حل کند. به خصوص مراجع باید تدبیری بیندیشند.

... چه ضرری از این بزرگتر که این تفرقه ها مثل خوره به جان جامعه بیفتد و تردیدهایی را در دل انسانها به وجود بیاورد، این مسائل عادی و معمولی نیستند و حتی از لحاظ شخصی هم انسان را با تکالیفی که بین او و خدایش دارد دچار مشکلات روحی می سازند. اینکه گفته شود «یوم الشک» این طور باشد و...، یا هنگام عید فطر عده ای به مسافرت بروند، شایسته زمان ما نیست. ما می توانیم این مسائل را حل کنیم و اکنون ضروری است آن را در مقیاس بین المللی مرتفع نماییم، نه در مقیاس فرد یا یک جامعه محدود یا یک شهر.... «10»

لطایفی از رؤیت هلال در گذر تاریخ

رویدادهای مربوط به رؤیت هلال، در طول تاریخ، هم آموزنده و مآیه عبرت و اندرز و گاه تلخ است و هم تسکین دهنده و آرامش بخش از این رو که می بینیم مشابه آنچه در روزگار ما اتفاق می افتد، در عهد پیشینیان نیز رخ داده است. به هر حال مواردی از این رویدادها را حتی الامکان به ترتیب تاریخی یا به تناسب موضوع در این مقاله نقل می کنیم:

1. شیخ طوسی در تهذیب نقل کرده است که در دوران حکومت امیرالمؤمنین (ع)، مردم پس از بیست و هشت روز روزه، هلال عید فطر را مشاهده کردند. امام (ع) به منادی دستور داد به مردم اعلام کند که ماه رمضان 29 روزه است و یک روز روزه قضا بگیرند»11».

ظاهراً در آن سال اوّل ماه رمضان هوا ابری بوده و ماه دیده نشده است. از این رو مردم شعبان را کامل و سی روزه حساب کرده اند و در پایان ماه رمضان با رؤیت هلال در شب 29 معلوم شده است که ماه شعبان نیز 29 روز بوده و مردم یک روز از آغاز آن را روزه نگرفته اند. از این رو، حضرت امیر (ع) دستور دادند یک روز روزه قضا شود.

این ماجرا را ابوریحان بیرونی نیز از کتابهای زیدیه نقل کرده است. «12»

میرزای قمی نیز در غنائم می گوید که مکرراً در زمان ما اتفاق افتاد که مردم 28 روز روزه، و روز 29 را عید گرفتند»13». چند سال پیش در ایران نیز مردم 28 روز روزه گرفتند.

2. کلینی در کافی و شیخ در تهذیب از امام صادق (ع) نقل کرده اند که آن حضرت فرمود:

در زمان منصور عباسی روزی در حیره بر او وارد شدم. آن روز یوم الشک بود و مردم در شک بودند و قسم به خدا من می دانستم که آن روز از ماه رمضان است. منصور گفت: یا ابا عبدالله، امروز روزه ای؟ گفتم: «ذاک إلی الإمام إن صُمت صمنا، و إن أفطرت أفطرتنا؛ این مربوط به امام است اگر تو روزه بگیری ما هم روزه می گیریم، و اگر تو نگیری ما هم نمی گیریم». منصور به غلامش گفت: «سفره را بیاور» و من با منصور غذا خوردم و قسم به خدا می دانستم که آن روز از ماه رمضان است. راوی به امام صادق (ع) با شگفتی عرض کرد: روزی از ماه رمضان را روزه نگرفتی و افطار کردی؟ حضرت فرمود:.... آری قسم به خدا، افطار یک روز و گرفتن قضای آن روزه برایم آسان تر از این است که گردنم را بزنند و خدای متعال عبادت نشود: «وکان إفطاری یوماً وقضؤه أیسر علیّ من أن یضرب عنقی ولا یعبد الله»14».

3. شیخ صدوق در فقیه روایت کرده است از عیسی بن منصور که وی گفت:

در یوم الشَّکِّ خدمت حضرت صادق (ع) بودم. امام به غلامش فرمود: «غلام، برو ببین سلطان روزه گرفته است یا نه؟ غلام رفت و برگشت و گفت: سلطان روزه نگرفته است. امام غذا طلب کرد و با هم تناول کردیم» (15).
4. ابن سعد در طبقات آورده است:

هنگامی که سعید بن عاص از جانب عثمان والی کوفه بود، روزی در پایان ماه رمضان به مردم گفت: کدام یک از شما هلال را دیده اید؟ مردم گفتند: ما ندیدیم؛ ولی هاشم بن عتبة بن ابی وقاص گفت: من هلال را دیده ام. سعید بن عاص به وی گفت: با یک چشم بینا، تنها تو از بین مردم ماه را دیدی! هاشم به سعید گفت: مرا برای چشمم سرزنش می کنی با اینکه چشمم در راه خدا چنین شده است! (چشم وی در واقعه یرموک آسیب دیده بود). فردا صبح، هاشم در منزلش افطار کرد و عید گرفت و مردم نیز نزد او غذا خوردند. این خبر به گوش سعید بن عاص رسید. آن گاه کسی را به دنبال هاشم فرستاد و او را کتک، و خانه اش را آتش زد. «16»

پس از این ماجرا اُمّ الحکم دختر عتبة بن وقاص که از زنان مهاجر بود و نافع بن ابی وقاص از کوفه به مدینه آمدند و ماجرا را برای سعد بن ابی وقاص بازگو کردند. سعد نزد عثمان آمد و قضیه را به وی گفت. عثمان هم پاسخ داد: سعید در برابر هاشم در اختیار شماس است، او را به تلافی کتک زدن به هاشم، بزنید. خانه سعید هم در برابر خانه هاشم از آن شماس است، به تلافی آتش زدن خانه هاشم آن را به آتش بکشید. در این هنگام، عمر بن سعد بن ابی وقاص که کودک بود به خانه سعید در مدینه آمد و آتشی در آن شعله ور ساخت. خبر به عایشه رسید و عایشه در پی سعد بن ابی وقاص فرستاد و از او خواست دست نگه دارد. و او دست نگه داشت.... «17»
5. یحیی بن حسین شجری در الأمالی الخمیسية (ج 2، ص 42) از نافع بن سعید حکایت کرده است که وی گفت:

در سفر حج (سال 170 هجری، اولین سال خلافت هارون) همراه هارون الرشید بودم که ده نفر آمدند و شهادت دادند که ما یک روز پیش از مردم هلال را دیدیم. هارون غمگین شد و گفت: «این اولین حجی است که در خلافتم برگزار می کنم، آن هم بر خلاف شرع برگزار می شود!!». آن گاه فقها را جمع کرد. فقها بین شهود جدایی انداختند و سخن شهود مختلف شد و یکسان از کار درنیامد. هارون از شهود پرسید: شما کی هستید؟ پاسخ دادند: از اهل کرمانیم، از فلان روستا. هارون دستور داد آنان را به زندان بیفکنند. آن گاه منادی بین مردم ندا درداد تا اهل کرمان آمدند. از آنان از وضع روستای شهود پرسید. مردم گفتند: قسم به خدا ای امیر، همه اهل آن روستا زندیق و کافرند. ما با آنها نه آمیزشی داریم نه رفت و آمدی، و هیچ کس را از اهل آن روستا نمی شناسیم.

آن گاه هارون آن ده شاهد را احضار کرد و گفت: بگویید شما که هستید؟ قسم به خدا جز با راستگویی از دست من نجات نمی یابید. گفتند: ما زندیقیم و آمدمیم تا حج مردم را فاسد و تباه کنیم. هارون هم دستور داد آنها را با شمشیر گردن زدند. «18»

6. عبد الجلیل رازی در کتاب جاودانه نقض سخنی از خصم را راجع به شیعه نقل می کند و به آن پاسخ می دهد. مجموع ایراد و پاسخ، برخی از زوایای مسأله را در آن روزگار روشن می سازد، آنجا که گفته است:

فضیحت سی و سیم: رافضی بر سنت مصریان رود، و دو روز پیش نیت روزه ماه رمضان کند، و چون دو روز به عید مانده باشد، افطار کند، و در مصر هم، چنین کنند و به جدل روزه دارند و عید یک روز پیش تر کنند مخالفت آل عباس را.

اما جواب آنچه گفته است که: «دو روز پیش تر از ماه رمضان روزه می گیرند» به حساب کورتر است که زهاد و عبّاد شیعه به دو ماه پیش تر از ماه رمضان روزه گیرند اما نه به نیت ماه رمضان روزه دارند و کتب فقهای ایشان

در احتیاط این مسأله و عدد رؤیت هلال و عدد شهود بر اختلاف احوال، اظهر من الشمس است و به جدول و نجوم و مانند این هرگز معترف نبوده اند و آن را منکر باشند و در روز عید روزه گشایند و در این معنی تقیه نتوان کردن، بلی جماعتی اخباریه که خویشتن را شیعه خوانند این معنی مذهب ایشان بوده است و از ایشان بسی نمانده اند و گر جایی باشند این معنی پنهان [از] اصولیان کنند که علم الهدی و شیخ موفّق بوجعفر طوسی و علماء از متأخّران بر ایشان انکار کرده اند در مسائلی چند که این یکی از آن است و ایشان را قمع و قهر کرده اند و تظاهر نیارند کردن و نیارند گفتن، مگر این انتقالی [کذا؟] در جایی در کتب اخباریه دیده است و معلوم است که نه مذهب اصولیان است؛ والحمد لله رب العالمین.

و اما آنچه گفته است: که «مخالفت آل عباس را یک روز پیش تر عید کنند» دگر باره به حساب کورتر است که این معنی مخالفت شریعت مصطفی 9 باشد پس بایستی که عبّاسیان را بر مصطفی 9 تقدیم و ترجیح ندادی که صاحب شریعت مصطفی (ص) است نه ایشان، اما خواسته که به تقیه باز نماید که دیگران را بهتر از رسول (ص) می داند و به همه حال امامزاده بهتر از کافر بچه باشد، علی رغم المصنّف. والسلام. «19»

7. در تاریخ ابن قاضی شُبهه در ضمن حوادث ماه رمضان سال 796 آمده است:

در این ماه موضوع غریبی اتفاق افتاد و آن اینکه: قاضی حنبلی اثبات و اعلام کرد که اوّل ماه رمضان سه شنبه است. مردم شب چهار شنبه به جست و جوی هلال رفتند ولی دیده نشد. عصر روز چهار شنبه، قضات هشتگانه برای مراسم سلام بر سلطان وارد شدند. سلطان از قاضی حنبلی درباره کیفیت اثبات ماه رمضان پرسید. قاضی گفت: دو نفر نزد من به رؤیت شهادت دادند. سلطان دچار شک و شبهه شد و پرسید اگر شب پنج شنبه هم دیده نشود، تکلیف چیست؟ و سخن بالا گرفت. سلطان دستور داد که شب پنج شنبه نیز مردم ترائی کنند و به جست و جوی هلال بروند. گفته می شد که ماه قبلاً دیده نشده و شهود به دروغ شهادت داده اند! و طبخانه سلطان اعلام عید نکرد و بشارت آن را نداد تا اینکه ماه رؤیت شود.

روز پنج شنبه قاضیان و شیخ در مسجد جامع گرد آمدند و مردم برای دیدن ماه بالای مناره ها رفتند. در این هنگام مردی هلال را دید و به رؤیت شهادت داد، سپس دیگری تا شمارشان به هفت نفر رسید و شهادت دادند و هلال ثابت شد. قاضی حنبلی از این ماجرا ترسید.

آن گاه سلطان در میدان، نماز [جمعه] خواند و قاضی مصر خطبه ایراد کرد، و نایب شام قبه را حمل کرد و قاضی شام در مسجد جامع خطبه خواند و به مصلاّی جمعه نرفت.... «20»

8. شیخ محمّد جواد مغنیه گوید:

در سال 1939 م عید قربان در مصر دوشنبه بود، و در عربستان سعودی سه شنبه، و در بمبئی چهارشنبه! و در سال 1960 م دولت پاکستان و تونس برای جلوگیری از هرج و مرج مقرر کردند که برای ثبوت هلال باید به سخن هیئت شناسان و منجّمان اعتماد کرد. «21»

9. وی همچنین می گوید:

در سال 1964 م یکی از مراجع نجف و مقلدانش روز جمعه را عید گرفتند، و مرجع دیگری و مقلدانش نیز در نجف اشرف روز شنبه را!! «22»

10. در سال 1393 در قطر از یکی از شهرها خبر رسید که شب جمعه هلال رؤیت شده و روز جمعه عید است. رادیو هم مردم را به افطار روز جمعه دعوت کرد. مردم هم جمعه را عید گرفتند، ولی در شب دوم یعنی شب شنبه هم قطعاً ماه دیده نشد و تنها در شب سوم یعنی شب یکشنبه عده ای تیزبین آن را به شکلی ضعیف

دیدند که 25 یا 30 دقیقه در افق پیدا بود. در حالی که طبق این شهادت، شب سوم ماه بود؛ از این رو مردم مضطرب شدند و یقین پیدا کردند که روز جمعه، و ترجیحاً شنبه نیز از ماه مبارک رمضان بوده است»²³». 11. مرحوم آیه الله سید محمد حسین حسینی تهرانی در نامه ای خطاب به مرحوم آیه الله خوئی؛ درباره عید فطر 1396 که به دلیل اختلاف فتوای ایشان با مشهور فقها، در ثبوت عید در ایران اختلاف و دو دستگی شد، می نویسد:

عید فطر امسال [1396] معرکه عجیبی در همه نواحی و باعث اختلاف شدید و ترک جماعات و سقوط ابهت و عظمت عید و مآیه بروز نفاق و ظهور عوامل و ایادی شیطان بود.

این تشّت و دو دستگی و آثار جانبی آن، باعث شد مرحوم تهرانی طّ سه نامه مبنای آیه الله خوئی را نقد کند و از ایشان بخواهد از این نظر، عدول یا حداقل احتیاط کند. آیه الله خوئی هم پاسخ دو نامه از این نامه ها را دادند و بر نظر خود اصرار ورزیدند و پیشنهاد مرحوم تهرانی مبنی بر عدول از فتوا به احتیاط را هم نپذیرفتند. این پنج نامه علمی در مجموعه ای به نام رساله حول مسألة رؤية الهلال چاپ شده و با تجدید نظر مرحوم تهرانی و اضافات ایشان در جلد دوم رؤیت هلال نیز منتشر شده است.

12. مفتی قطر می نویسد:

عید فطر در سال 1400 بی جا و بر خلاف واقع و بر اساس شهادت دروغ به رؤیت هلال در شب دوشنبه اعلام شد. در حالی که شب دوشنبه و نیز شب سه شنبه کسی ماه را ندید. و معلوم شد این شهادت باطل بوده است. و مردم تنها در شب چهارشنبه ماه را دیدند مانند هلال شب اوّل ماه. و برای همه معلوم شد که ادعای رؤیت شب دوشنبه دروغ محض بوده است»²⁴».

13. دکتر یوسف قرضاوی از عالمان معاصر اهل سنت می نویسد:

آغاز ماه رمضان 1409 را برخی کشورها پنج شنبه، برخی جمعه و برخی شنبه گرفتند. «25»

نیز در گفتگویی با شبکه الجزيرة در روز یکشنبه پنجم ماه رمضان 1418 اظهار داشت:

چند سال پیش آغاز ماه رمضان در کشورهای خلیج روز چهارشنبه؛ در مصر، تونس و الجزائر روز پنج شنبه؛ در مغرب، پاکستان و هند جمعه؛ و در بنگلادش روز شنبه بود.

قرضاوی افزود:

من در امریکا دیدم این اختلاف از کشورهای اسلامی به مسلمانان امریکا بلکه حتی به یک خانواده سرایت کرده است به طوری که شوهر روزه نبود ولی همسرش روزه بود، فرزند افطار می کرد ولی پدرش روزه دار بود، یکی به پیروی از پاکستان، دیگری به پیروی از عربستان و سومی به پیروی از مصر روزه می گرفت. آیا این عاقلانه است؟! 14. عید فطر سال 1412 هم حوالی ساعت 9 صبح (شنبه 15 فروردین 71) از رسانه ها اعلام شد. یعنی اعلام شد که ماه رمضان ناقص و 29 روزه بوده و همان روز عید فطر است و شب گذشته شهود، هلال را رؤیت کرده اند.

15. در عید فطر سال 1419 در لبنان اختلاف شدیدی در ثبوت عید بین شیعیان بروز کرد که بر اثر آن غوغایی برپا شد عده ای از شیعیان به استناد شهادت شهود، روز دوشنبه را، و عده ای به استناد سخن هیئت شناسان و منجمان که رؤیت هلال در عصر یکشنبه را غیرممکن می دانستند، سه شنبه را عید فطر اعلام کردند. در لبنان روزنامه ها و نشریات متعددی به این موضوع پرداختند و با مقالات علمی و گاه غیر علمی هر یک از این دو گروه از نظر خود دفاع کردند. مقالاتی که گاهی بین آنها اظهار تأسف و تحسّر هم دیده می شد مانند مقاله هایی با

عنوان «وحدة المسلمين بين هلالين!» و «العید الضائع!». این طوفان تا مدتی در لبنان ادامه داشت. عین همین اختلاف و درست به همان دلیل در عید فطر سال 1424 در ایران نیز بروز کرد و توابعی ناخوشایند داشت.

16. سال گذشته نیز حادثه غریبی رخ داد؛ شورای عالی قضائی عربستان طبق تقویم اُمّ القری درست مانند تقویم رسمی ایران روز چهارشنبه برابر با دی ماه 1383 را روز اوّل ذی حجه 1425 اعلام کرد. روزنامه ها و رادیو و تلویزیون عربستان نیز روز چهارشنبه را اوّل ماه دانستند؛ ولی ناگهان عصر جمعه برابر با سوم ماه، شورای عالی قضائی عربستان اعلام کرد که جمعه چهارم ماه، و روز سه شنبه اوّل ماه بوده است. روزنامه های روز شنبه عربستان در توجیه این حکم نوشتند: سه نفر در شرق منطقه رین، ماه را عصر دوشنبه 29 ذی القعدة دیده اند. بنابراین روز سه شنبه اوّل ماه بوده است. در این زمینه شورای عالی قضایی عربستان این بیانیه را صادر کرد: با وجود این که عصر سه شنبه، مردم در همه شهرها ماه را به صورت بلند دیدند که بر حسب تقویم مکه مطابق با 30 ذی القعدة است شورای عالی قضایی، روز چهارشنبه را اول ماه ذی الحجه اعلام کرد؛ ولی از آن جا که مجرد بلند بودن ماه، موجب حکم به شروع ماه ذی الحجه از روز سه شنبه نمی شد و کسی هم پیش تر اعلام نکرده بود که در عصر دو شنبه 29 ذی القعدة هلال ماه را دیده است بنابراین شورای عالی قضایی حکم به تمام بودن سی روز ماه ذی القعدة کرد؛ ولی با توجه به این که در عصر جمعه مطابق با سوم ذی الحجه بر حسب تقویم مکه چند نفر شهادت دادند که شب سه شنبه، ماه را در سیح در شرق استان رین دیده اند، قاضی استان رین آنها را خواست و دو نفر از آنان حاضر شده، به رویت هلال ذی الحجه بعد از غروب دوشنبه شهادت دادند... و عدالت آن دونفر اثبات شد و قاضی استان رین یاد آور شد که آن دو نزدش به عدالت وثقه بودن معروف هستند با آن دو نیز جوانی بود که هلال ماه را دیده ولی به دادگاه نیامد... بنابر این شورای عالی قضایی... مقرر داشت که دخول ماه ذی الحجه در روز سه شنبه ثابت شده است... و باید در روز چهارشنبه در عرفه وقوف کرد... «26»

17 در زمان مرحوم آية الله حاج آقا حسين بروجردی ؛ نیز روزی هلال برای آية الله سيد احمد خوانساری در تهران اثبات شد و ایشان اعلام عید کرد. ولی برای آية الله بروجردی ثابت نشده بود. عده ای از بزرگان علمای تهران برای رعایت حرمت مرحوم خوانساری و اینکه اگر آية الله بروجردی اعلام عید نکند شخصیت ایشان مخدوش می شود نزد آية الله بروجردی آمدند و ایشان هم به اعتماد آية الله خوانساری و برای حفظ حرمت وی بعد از ظهر اعلام عید کردند.

پی نوشت ها :

1. الکافی، ج 4، ص 170، باب النوادر من کتاب الصیام، ح 3.
2. الکافی، ج 4، ص 169، باب النوادر من کتاب الصیام، ح 1. شرح و توضیح این دو حدیث در «بخش هفتم: احادیث رؤیت هلال» خواهد آمد.

3. رؤیت هلال، ج 3، ص 1546. 1547
4. چند نکته مهم درباره رؤیت هلال، ص 4. 5
5. تاریخ و فرهنگ معاصر، ویژه نامه پنجم: یادنامه امام موسی صدر، ص 441.
6. مجله الشریعة، سال ششم (1409) شماره 13، ص 375 376، «إثبات الأهلة».
7. الحكم الشرعی فی إثبات رؤية الهلال، ص 3، 6، 9.
8. رک: روزنامه جمهوری اسلامی، 15/12/1378، ص 15.
9. رک: تحقیقات اسلامی، سال 15، شماره 2 و سال 16، شماره 1، ص 86، «بررسی علمی رؤیت هلال ماههای رمضان و شوال 1423 در ایران»، و ص 144، «بررسی رؤیت پذیری هلال در ایران در بیست و نهمین روز ماههای قمری سالهای 1400 1423»؛ گزارش جامع طرح سراسری رؤیت هلال ماههای قمری برای ایران، ص 11، پانویشت.
10. تحقیقات اسلامی، سال 15، شماره 2، سال 16، شماره 1، ص 24 28، «رؤیت هلال؛ مشکلات و راه حلها».
11. تهذیب الاحکام، ج 4، ص 158، ح 444؛ الوافی، ج 11، ص 132، ح 10549.
12. ال آثار الباقية، ص 75.
13. رک: رؤیت هلال، ج 3، ص 2038.
14. الکافی، ج 4، ص 82 83؛ تهذیب الأحکام، ج 4، ص 317، ح 965؛ الوافی، ج 11، ص 157 158، ح 10598.
- 10600؛ وسائل الشیعه، ج 10، ص 131 133، ح 13034. 13036.
15. الفقیه، ج 2، ص 127، ح 1926؛ وسائل الشیعة، ج 10، ص 131، ح 13031.
16. ظاهراً به دلیل مخالفت با والی در عید گرفتن، خانه اش را آتش زد.
17. الطبقات الكبرى، ج 5، ص 32.
18. فوائد المرجان، ص 109.
19. النقص، ص 618619.
20. تاریخ ابن قاضی شهبه، ج 3، ص 518.
21. الفقه على المذاهب الخمسة، ص 164.
22. فقه الإمام الصادق (ع)، ج 2، ص 47.
23. اجتماع أهل الإسلام على عيد واحد كلّ عام، ص 20. 21.
24. الحكم الشرعی فی إثبات رؤية الهلال، ص 5. 6.
25. تیسیر الفقه، فقه الصیام، ص 31.
26. روزنامه المدينة، شنبه 4 ذی حجه 1425، شماره 15242، ص 4.